

واژگان عربی سال دوم دبیرستان

1	أَبَتْ	پدر من	144	الْقِيمِ	ج القیمه، ارزش
2	إِبْتَهَجَ	شادمان شد	145	الكَدَّ	زحمت، تلاش، کوشش
3	أَبَعَدَ	دور کرد	146	الكَدَح	رنج، زحمت
4	إِبْتَعَدَ	دوری جست، جدا شد	147	الكَرَام	ج الکریم، جوانمرد، بخشنده
5	الإِبِل	شتر	148	كَسَرَ	شکست
6	أَتَى	آمد	149	الكَفَاف	اندازه، به قدر کفایت
7	الإِجْلَال	شکوه، جلال، بزرگداشت	150	كَفَّرَ	پوشاند
8	أَحَبَّ	دوست داشت	151	كَمَا	کما این که، همانطور که، مثل
9	الأَخْيَار	جمع الخیر، برگزیده، نیک	152	الكَوْكَب	ستاره، سیاره
10	أَذَلَّ لِيذَلَّ	ذلیل کرد، خوار کرد تا خوار کند	153	اللَّعِب	بازی
11	أَرْشَدَ	راهنمایی کرد	154	لَعِقَ	چشید
12	الإِرْغَام	در خاک افکندن	155	لِمَ	ما + لـ برای چه، چرا
13	الأَسْر	اسارت	156	اللون	رنگ
14	إِعْتَبَرَ	پند گرفت	157	لِيناً (-) لَانَ	نرم شد
15	إِعْتَزَلَ	دست کشید، کناره گیری کرد	158	الماشى	رونده
16	الأَغَانِي	منظور آهنگ (جمع الأغنية، آواز (بیمعنی و مفهوم	159	(-) بلا	مبتلا کرد، امتحان کرد
17	الأَقْفَال	جمع قفل	160	البؤساء	ج البائس، بینوا
18	الأَقْلَّ	کم تر	161	البهجة	سرور، شادمانی
19	الأَقْوَمُ	درست تر، پایدارتر	162	تَحَدَّثَ	حرف زد، سخن گفت
20	الأَكْيَاس	ج الکیس، کیسه، همیان	163	تَذَكَّرَ	به خاطر آورد
21	أَلْجَأَ إِلَى	وادر کرد	164	التَّحْلِی	آراسته شدن
22	الإِمَارَه	بسیار امر کننده	165	الترجمة	زندگی نامه، ترجمه احوال

23	الآمال	جمع الأمل، امید و آرزو	166	التشاؤم	بدبینی، فال بد زدن
24	الأمانی	جمع أمنيّة، آرزو	167	تَشَكَّلَ	صورت گرفت
25	أَمْضَى	گذراند	168	التَّفَاؤُل	خوشبینی
26	أَنْبَتَ	رویاند	169	التَّلَّ	تپه
27	الانتفاع	بهره بردن، استفاده کردن	170	تَمَتَّعَ	بهره مند شد
28	انْحَنَى لاتنحنی	سرفرود آورد، خم شد تسلیم مشو	171	التَّمَر	خرما
29	أَنْصَتَ	ساکت شد، سکوت کرد	172	تنافسَ	رقابت کرد، مسابقه داد
30	انْفَصَلَ	جدا شد	173	التنقیة	پاکیزه کردن، پاک کردن
31	الأنوف	جمع الأنف، بینی	174	التَّوَاب	بازگشت کننده، توبه کننده
32	أودَعَ	به ودیعت نهاد، امانت گزارد	175	تَوَصَّلَ إِلَى	دست یافت، رسید
33	أىُّ	کدام	176	تَوَكَّلَ عَلَى	توکل کرد، تکیه کرد
34	أيدَ	تایید کرد	177	التَّهَيَّئَة	تهیه کردن
35	الباحث	محقق	178	تَجَلَّلَ	بی بند و باری
36	بَثَّ	پراکند، پخش کرد	179	تَفَسَّحَ	جا باز کرد
37	بَحَدَّ ذاتها	خود به خود، فی نفسه	180	التُّغُور	جمع ثغر، مرز
38	البدر	ماه کامل، ماه شب چاردهم	181	الثقیل	سنگین
39	البِدَع	جمع بدعه، رسم نو در دین نهادن	182	ثَارَ ثُورَى	انقلاب کرد، قیام کرد انقلاب کن، به پا خیز
40	(بَذَلَ)	بخشش کرد	183	الجائِم	سینه بر زمین نهاده، زمین گیر
41	البَشاشَه	گشاده رویی	184	جاوَرَ	نزدیک شد، همسایه شد
42	البَطَل	دلاور، قهرمان	185	الجاهزة	آماده، حاضر
43	الرشاد	راستی و درستی، راه درست	186	الجراب	انبان، کیسه
44	الرعيّة	رعایا، پیروان، شهروندان	187	الجُزُرُ	جمع جزیره
45	(رَقَبَ)	با دقت نگاه کرد	188	جَنَّبَ	دور کرد
46	الرملىّ	شن زار	189	الجوع	گرسنگی

47	الرهين	در گرو، مورد محاسبه قرار گرفته، مسئول در برابر عملی که انجام داده است	190	الجَوْلَة	جولان دادن
48	رفض	رد کرد	191	جَرَّ	کشاندن
49	رحب	خوش آمد گفت	192	الحارَّ	گرم
50	رقبة	گردن	193	حاسبَ نَفْسَه	از خود حساب کشید
51	الزخرف	زرو زیور	194	حاکي	تقلید کرد
52	الزین	زینت، خوبی	195	حاولَ	تلاش کرد
53	الساحة	میدان	196	الحراس	جمع الحارس، نگهبان، کشیک
54	السلرة	شاد	197	حرمَ	تحریم کرد
55	الساعة	قیامت	198	حَطَّ	فرود آمد، نشست
56	ساعداً	کمک کرد	199	حَكَمَ	داوری کرد
57	الساعی	کوشا	200	الحلَّ	حلال کن
58	سَجَرَ	آتش روشن کرد	201	حلَّ العُقْدَةَ	گره را گشود
59	السخاء سخاء الكف	بخشش، جوانمردی بخشندگی	202	الحلم	رؤیا
60	سَرَّ	شاد کرد	203	الخبير	خبیره، با تجربه، کارشناس
61	السريرة	درون، نهان	204	الخِتام خِتامه مسكُ	پایان، مهر مهر آن از مشک است
62	السعة ذو سعة	گشایش دارا، توانگر	205	الخطَّةُ	نقشه
63	سَلَبَ	ربود، دزدید	206	الخلال	میان
64	سار	حرکت کرد	207	(-) خَلَبَ	شیفته کرد، ربود
65	شَبَعَ	سیر شد	208	خَيْرَة	بهترین
66	شِرذمة	گروه اندک، دار و دسته	209	الدأبه	جنبنده
67	الشيمه	منش، خصلت	210	دافع عن...	پشتیبانی کرد...از

68	الشَّيْن	ننگ، بدی، رسوایی	211	الدَّرَاهِم	جمع الدرهم
69	الصَّامِد	پایدار	212	الدُّسْتُور	قانون، قانون اساسی
70	صَبَّ	ریخت	213	دعا	خواند، صدازد
71	الصَّبْر	گیاه تلخ	214	دَقَّ	در را کوفت
72	صَحِبَ	همراه شد، یاری نمود	215	دَوْن	به جز
73	الصُّمُود	مقاومت، پایداری	216	الدُّوْب	با استقامت، پایدار
74	الصَّوْب	جهت، سمت و سو	217	ذات بهجة	زیبا و خرم
75	الصَّيْحَة	بانگ، فریاد	218	الذُّبَابَة	مگس
76	الصَّيْدَلَة	داروسازی	219	الرَّائِب	حقوق
77	ضَجِرَ	دل‌تنگ شد، بی‌قراری کرد	220	الرَّاعِي	چوپان، عهده‌دار مسئولیت، مسئول اداره کردن
78	الضُّحَى	قبل از ظهر	221	الرَّائِع	دل‌پسند، زیبا
79	الضَّلَال	گمراهی	222	رَأَى	دید
80	الضِّيَاع	نابودی	223	الرَّتْق	بسته
81	ضَجِيج	سر و صدا	224	الرَّحَلَة	سفر
82	الطَّاعَة	بندگی، تسلیم	225	رَدَّدَ	تکرار کرد
83	طَرَدَ	دور کرد	226	الرِّسَال	جمع رساله، کتاب، نامه، رساله
84	الطَّرُق	ج طریق، راه	227	المُتَرَدِّد	مردد، دارای شک و تردید
85	يَقْطَعُ طَرَقاً	راهزنی می‌کند، ره‌گیری می‌کند	228	المَجَال	زمینه، عرضه
86	الطَّغَاة	ج الطاغی، طغیان‌گر، گردن‌کش	229	المَجَالَات الفِكرية	زمینه‌های فکری
87	الطَّيْرَان	پرواز	230	المُجَدَّة	کوشا
88	الطَّبِي	آهو	231	المَحِيط	احاطه‌کننده، مسلط
89	(-) ظَفِر	پیروز شد	232	المُخْضِرَة	سر سبز
90	الظُّلْمَاء	تاریکی، شب بسیار تاریک	233	المَرء	انسان
91	عَاتِب	ملامت کرد	234	المُرَّة	تلخ
92	عَاشَ	زیست، زندگی کرد	235	مَرَّ	گذشت، سپری کرد، حرکت کرد
93	العَاق	طرد شده، نفرین شده، لعنت شده	236	مَرْحَبَا بَك	...خوش آمد گفت، درود بر

94	العِدَى	ج العدو، دشمن	237	المزهرية	گلدان
95	العديدة	بسیار	238	المسك	مشک که مادهای است خوشبو و معطر
96	العرس	میهمانی عروسی، زفاف	239	المضيئة	روشنی بخش، فروزان
97	عَرَضَ	عرضه کرد	240	المكروه	منفور، ناپسند
98	عَسَّرَ	دشواری کرد	241	المُلْتَصِق	به هم پیوسته، چسبیده
99	العشرين	بیست	242	مِمَّا	ما + من از چه چیز
100	العظم	استخوان	243	المملوء	مملو، پر
101	عَقَدَ	محکم کرد	244	الْمَنْ	منت نهادن
102	العلاية	آشکار، ظاهر	245	الْمَنْصَب	مقام، شغل
103	علم الفلك	علم هیئت و اخترشناسی	246	المواصلة	ادامه دادن
104	العم	عمو	247	الْمَنْهَوم	حریص
105	عَمَّا	ما + عن ، حرف زائد «ما»	248	الميزة	ویژگی، برجستگی
106	عَمَّا قَرِيب	عن قریب، به زودی	249	ناجی	راز و نیاز کرد
107	عَمَّرَ	عمر دراز کرد	250	ناول	عطا کرد، تسلیم کرد
108	العناء	رنج	251	نَبَهَ	یادآوری کرد
109	العناد	مخالفت، دشمنی	252	النحب	عهد و پیمان، زمان و وقت مرگ
110	عَرَجَ	لنگی	253	نحو	به سوی، به طرف
111	غالیلة	گالیله	254	نَزَلَ	نازل کرد، فرود آورد
112	الغامض	پیچیده	255	نَشَرَ	باز کرد، گشود
113	الغاية	هدف	256	النماذج	جمع نمودج نمونه
114	الغزل	غزل، لهو و لعب	257	نماذج مثالية	الگوهای والا و برتر
115	الغزاة	ج غازی، مهاجمان اشغالگر، غارت کنندگان متجاوز	258	النوم	خواب
116	غُسِلَتْ	شتشوی مغزی شدند	259	النهب	غارت

	عقولهم				
117	غَصَبَ	به ستم گرفت، غصب کرد	260	نَهَجَ	نشان داد
118	الغَضَّ	جدید، تازه	261	نَعَاجَ	جمع نعجه، گوسفند
119	الغَضاضَةُ	لطافت، تازگی	262	الوَائِقَ	مطمئن
120	الغَىَّ	گمراهی	263	>----ودّ	موده
121	غَيَّرَ	تغییر داد، دگرگون کرد	264	وَاجَهُ	رو به رو شد
122	الغِيوم	جمع الغيم، ابر	265	وَاحِيائِي	شرمم باد، وای بر من، واخجالنا
123	فَازَ	موفق شد، رستگار شد	266	الوَائِي	حاکم شهر
124	فَتَّشَ	جستجو کرد	267	الْوَجِيزَةَ	مختصر و مفید
125	فَتَّقَ	شکافت، گشود	268	وَفَّرَ	آماده کرد
126	الْفَتَى	جوان، جوانمرد	269	وَلَدَ	زایید
				نَوْلَدُ	زاییده می شویم
127	فَرَّحَ	شادمان کرد	270	وَلَّى	روی آورد
				وَلَّ	روی بیاور
128	فَصَلَ	جدا نمود	271	وَلَّى	مقام داد، حکم کرد
129	قَلَّ الْفَصْلُ	سخن حق را بگو	272	الْوَهْمَ	خیال، تصور، توهم
130	فَضَّةٌ	نقره	273	وَيَحِكُ	وای بر تو
131	الْفَضِيَّةُ	نقره فام	274	وَيْلٌ	وای
				وَيْلٌ لِي	وای بر من
132	فَطِنَ	پی برد، متوجه شد	275	الْهَامِدُ	سرد و خاموش، بی آب و علف
133	فَقِهَ	فهمید، درک کرد	276	الْهَبُوطُ	فرود آمدن
134	الْقُبَّةُ	خیمه	277	هَجَرَ	ترک کرد، دست کشید
135	الْقُدْوَةُ	الگو، نمونه	278	هَدَى	هدایت و راهنمایی کرد
136	الْقَرِبَةُ	مشک آب، کوزه	279	هَزَلَ	بیهوده سخن گفت، شوخی کرد
137	قَرَعَ	در را کوفت	280	هَوَّنَ	آسان نمود

138	قرون	جمع قرن، شاخ	281	هَوْنٌ عَلِيك	سخت نگیر
139	قَصْرَ	کوتاه کرد، کم کرد	282	هَيِّن	سهل وآسان
140	قَضَى	انجام داد، گذراند، طی کرد	283	الهناء	گوارا
141	قَضَى نَحْبَه	به عهد خود وفا کرد، نذرش را ادا کرد، از دنیا رخت بر کشید	284	الیاسمین	گل یاسمن، گل یاس
142	القنديل	چراغ	285	الیتامی	جمع یتیم
143	قَنَط	نومید شد	286	یَسْرَ	آسان گردانید



واژگان عربی سال سوم دبیرستان

1	الأبدان	بدن ها و جسم ها	193	التدريب	تمرین
2	ابدى	اظهار کرد	194	تجاه	در برابر
3	ابغض	آزار و اذیت رساند	195	وجد = تجد	یافت
4	اتخذ	گرفت	196	التحریم	حرام کردن
5	أتمم	تمام کرد	197	تحوّل	تغییر یافت
6	اتی	آمد	198	تخلصّ	رهایی یافت
7	الاخضر	سبز	199	ترنّم	زیر لب تکرار کرد
8	احلّ	حلال کرد	200	تذکرّ	پند گرفت
9	الاباء	پدرها	201	تزیّن	آراست
10	الاحمر	قرمز	202	التّضحیات	فدا کاریها
11	اجلس	نشاند	203	تعودّ	عادت کرد
12	احرق	سوزاند	204	تفقهّ	علم آموخت
13	احصى	شمرد	205	تقدّم	جلو رفت
14	اختلفی	پنهان شد	206	تلقّی	دریافت کرد
15	الاخري	دیگر	207	الثقافه	فرهنگ
16	أدّى	انجام داد	208	الثانیه == الثوانی	ثانیه ها
17	إذهب	برد	209	جاد علی	بخشید
18	الازرق	آبی کبود	210	الجبن	ترس
19	الاستشهاد	شهادت	211	الجثّة	جسم
20	استعار	به عاریت گرفت	212	الجزیل	فراوان
21	استنتج	نتیجه گرفت	213	الجُسیم	جسم کوچک
22	أسلم	اسلام آورد	214	الحدادّ	تیز
23	الاسود	سیاه	215	الحائز	به دست آورنده
24	اشتكى	شکایت کرد	216	الحبر	مرکب - جوهر

25	أشرق	طلوع کرد	217	الحديث	جدید
26	الفُروسية	سوارکاری - دلآوری	218	حذر	دوری کرد
27	الفضل	فراخی - گستردگی	219	حرم	حرام کرد
28	فقد	از دست داد	220	حسب	گمان کرد
29	الفلک	اخترشناسی	221	الحسنة	نیکی
30	الفوت	از دست رفتن	222	الحصنةزنگ - قسمت
31	الفئات	گروه	223	الحصول علی	به دست آوردن
32	قام	استوار است	224	الحفاوة	گرمی
33	القادة	فرمانده	225	الحفلة	مراسم - جشن
34	القاعة	سالن	226	الحکم	داور
35	قبض علی	دستگیر شد	227	حمل	تحمیل کرد - بار کرد
36	قبّل	بوسید	228	الحنان	مهربانی
37	القدح	پیمانه - جام	229	الحنون	مهربان
38	قدم	تقدیم کرد	230	حيّا	تحیّت گفت - سلام داد
39	القرین	همراه - جفت	231	خاطب	خطاب کرد
40	قصّ الاخبار	روایت کردن خبرها	232	خاف	ترسید
41	قضى	ادا کرد	233	الخراج	مالیات
42	قطع	پیمود	234	الخفافيش	خفاشها
43	قطع الليل	پاره های شب	235	الخفى	مخفی
44	القلق	نگران	236	خفق	تپید
45	قلّ	کم کرد	237	الخلاب	چشم ربا
46	قلّما	به ندرت	238	الخلق	عادت - خوی
47	قنص	شکار کرد	239	الخمول	تنبلی - سستی
48	قوس فرح	رنگین کمان	240	دار	جریان یافت
49	المقت	بدی - کراهت	241	دافع	دفاع کرد
50	المقتنص	شکار شده - شکار	242	دام	ادامه یافت

51	المقدمه	جلو	243	الدَّرَجَةُ	نمره-پله-درجه
52	المكبرين	تكبير گویان	244	دفع	عقب زد
53	المكرمة	بزرگی	245	الدقات	تپش
54	الملون	رنگارنگ	246	الدم	خون
55	الممر	راهرو	247	الدموع	اشک
56	المناقشه	گفتگو-بحث	248	الدواب	چارپا
57	المنبر	تریبون	249	الدهشة	تعجب
58	المنى	هدف-آرزو	250	الذاكرة	حافظه-یاد
59	المهلين	توحید گویان	251	الذريعة	وسیله-بهانه
60	المواجهة	رویاریوی-مقابله	252	الذكر	نر
61	المواكب	کاروان	253	الذكرى	یاد بود-یاد
62	الموجه الى	خطاب شده-متوجه	254	ذوق	چشاند
63	المیقات	زمان ملاقات	255	رابط	مرزبانی کرد-آماده شد
64	نادی	ندا داد-صدازد	256	راح	رفت
65	نال	فرا گرفت-رسید	257	الرأية	پرچم
66	نبح	درخشید	258	ربى	تربیت کرد
67	نسى	فراموش کرد	259	رتل	بادقت و آرامی تلاوت کرد
68	نشأ	رشد یافت	260	رحل	مسافرت کرد
69	النشور	برانگیختن	261	رخص	ارزان شد
70	نهى	نهی کرد	262	رُفِع	بالا و کنارزده شد
71	أشفق على	دلسوزی کرد	263	الرفق	مدارا-مهربانی
72	أصاب	هیبیت	264	الرؤية	دیدگاه
73	الاصفر	زرد	265	زال	از بین رفت
74	الاضواء	نورها	266	الزمام	افسار-مهاری
75	أعد	فراهم کرد	267	الزميلات	هم شاگردی
76	اقترب	نزدیک شد	268	زود	مجهز کرد

77	اقترن	همراه شد	269	السائر	حرکت کننده
78	اقتنصَ	شکار کرد	270	السَّاحَةُ	میدان
79	اقتصر	محدود شد	271	سار	حرکت کرد
80	الاقدام	شجاعت و دلیری	272	سال	جاری شد
81	الاکباد	جگر گوشه-جگر	273	السَّامِي	متعالی-بلند
82	أكمل	کامل کرد	274	السَّتَار	پرده
83	التبس	مشتببه شد	275	السَّدِيد	محکم-درست-راست
84	ألبس	پوشاند	276	السَّعَةُ	توانایی
85	التفت	متوجه شد	277	السَّكِينَةُ	آرامش
86	الحَّ عَلَى	اصرار کرد	278	السلطان	قدرت
87	ألقى	انداخت-افکند-رها کرد	279	السُّلْم	نردبان-پله
88	الى أن	تا اینکه	280	سَلَّمَ عَلَى	سلام کرد
89	اليك	بگیر	281	سمح	اجازه داد
90	امتلاء	پر شد	282	سُمِّي	نامیده شد
91	الأمل	امید و آرزو	283	السِّيَادَةُ	سروری و ریاست
92	أمن	ایمن شد	284	السَّيِّئِ	بد
93	الامِّي	به مکتب نرفته-فاقد	285	الشَّحْنَةُ	بارالکتریکی-بار
94	القيم	ارزش	286	الشَّعَاعُ الضَّوئِي	شعاع نوری
95	الكأبة	افسردگی-مصیبت	287	شغل	مشغول کرد
96	كاد	حیله کرد-نزدیک بود	288	شَقَّ	سخت گرفت
97	كَبَّرَ	تکبیر گفت	289	الشَّعُور	احساس
98	كَرَمٌ	گرامی داشت	290	الشَّيْبِ	پیری
99	كِرَةً	ناپسند داشت	291	شَيِّعٌ	بدرقه کرد-مشایعت کرد
100	الكَسَلُ	تنبلی	292	صَابِرٌ	پایداری ورزید...با
101	كما	همانطور که	293	صاح	فریاد زد
102	كِلَا	هر دو	294	الصَّامِتِ	ساکت

103	کم	چه بسیار	295	الصَّبَا	کودکی
104	اللبن	شیر	296	صَدَق	باور کرد
105	اللَّجِي	عمیق	297	الصدق	راستی
106	لدن	نزد	298	صَرَح	تصریح و آشکار
107	اللقاء	دیدار- ملاقات	299	صَرَف	به شکل‌های مختلف آورد
108	لیت	ای کاش- کاش	300	الصفاء	نام کوهی
109	ما بک؟	تو را چه شده است؟	301	الصفاء	خوشبختی
110	المأتین	دویست	302	صَفَّق	دست زد
111	المادح	مدح کننده	303	صفو الماء	زلالی آب
112	المارق	از دین برگشته	304	صَنَع	انجام داد
113	الماطرة	بارانی	305	الصورة	عکس
114	المُتَرَف	ثروتمند	306	الصِّيَاح	فریاد
115	المتربص	در کمین	307	الصيدلة	دارو سازی
116	المتابرة	پایداری	308	ضَحَى	فداکاری کرد
117	النَّوَاة	هسته	309	ضَمِنَ	ضمانت کرد
118	النَّيْل	به دست آوردن- نایل شدن	310	الضَّوْضَاء	سر و صدا
119	نِعْمَ	است چه خوب	311	ضَبَّعَ	تباه و ضایع کرد
120	الهادی	هدایت کننده	312	الطائع	مطیع
121	هازنا	مسخره کنان	313	الطلائع	پیشگام
122	هوای	میل من	314	الظاهرة	پدیده
123	الهون	به آرامی	315	الظَّلام	تاریکی- سیاهی
124	هَيَاءٌ	آماده کرد	316	الظَّمان	تشنه
125	واجبات	تکالیف	317	الظَّهْر	پشت
126	واجه	روبه رو شد	318	عَاتَبَ	عتاب کرد
127	واحداً فواحداً	یکی یکی	319	عاد	بازگشت- برگشت
128	واصل	ادامه داد	320	العارض	ناپایدار- گذرا

129	واهاً	وای	321	عائى	رنج برد
130	الوحيد	تنها	322	العيبث	بیهوده
131	الودائع	امانت ها	323	العبر	عبرت
132	ودع	ترک کرد	324	العجوز	پیرزن یا پیر مرد
133	وصف	تجویز کرد	325	عدّ	به شمار آورد
134	وعد	وعده داد	326	العريق	ریشه دار
135	وقع على	افتاد	327	عسى	امید است - شاید
136	الولىّ	صاحب خون - صاحب	328	عظّم	گرامی داشت
137	الوهّاب	بخشنده	329	العقبى	آخرت
138	وهب	بخشید	330	العقد	گردنبند
139	وهن	سست شد	331	العقوبة	مجازات
140	انتفع	سود برد	332	على حدّ سواء	مساوی
141	اندفع	رهسپار شد - روانه شد	333	العلانية	آشکارا
142	انزعج	ناراحت شد	334	العويل	گریه و زاری
143	أنشد	سرایید - شعر خواند	335	عيد الاضحى	عید قربان
144	أنطق	به سخن در آورد	336	غصّ	در گلو گیر کرد
145	الانثى	ماده	337	غاص	فرورفت
146	أنىّ	چطور - چگونه	338	الغاية	هدف
147	اهتمّ	توجه کرد	339	غرس	غرس کرد - کاشت
148	أوقع	سرنگون کرد - انداخت	340	غشىّ	درببر گرفت
149	الباب	دروازه - در	341	غلظ	سخت گرفت
150	بادر	شتاب کرد	342	الفارس	سوارکار - دلاور
151	باع	فروخت	343	الفتاء	دختر جوان
152	البال	فکر	344	الفتن	فتنه
153	البالغ	فراوان	345	الفجور	فساد - گناه
154	بدأ	آغاز کرد	346	الفخمة	با شکوه

155	البر	نیکی - خوبی	347	الفرص	فرصت
156	البطل	قهرمان	348	فرق	جدا کرد
157	البعث	برانگیختن	180	المُظلم	تاریک
158	بعضها بعضها عن بعضی	نسبت به یکدیگر - با یکدیگر	181	المُعَدَّات	تجهیزات
159	البيكاء	گریان	182	المعركة	جنگ
160	البلوغ	رسیدن	183	المقاتلين	رزمندگان
161	البيان	سخنوری	184	يشس	ناامید شد
162	المُحَضَّر	حاضر - آماده	185	يبدي رأيه	نظرش را اعلام می کند
163	المثابه	مانند	186	يتكون	تشکیل می شود
164	المختار	با اختیار	187	يزيل	بر طرف می کند
165	المُخْطِئ	خطا کار	188	يُصِيب	دچار می کند
166	مدى الحياة	طول زندگی	189	يوم الفصل	قیامت
167	المزدهمة	شلوغ	190	البيئة	محیط
168	المدعور	پریشان - وحشت زده	191	تاب	توبه کرد
169	مر	حرکت کرد - عبور کرد	192	التبجيل	گرامی داشت
170	المُرافق	همراه			
171	المردودة	بازگردانده شده			
172	المروءة	جوان مردی			
173	مزح	شوخی کرد			
174	المستأهل	شایسته - اهل			
175	المستقر	قرارگاه			
176	المُسْرِع	سریع			
177	المسيطرة	مسلط			
178	المشهد	منظره - صحنه			
179	المضمونة	ضمانت داده شده			